

پیامبر اعظم الگوی جهانی

تاریخ شناخته و دانسته ایم ، سایه و شبی از وجود معنوی ابعاد شخصیت نبی اکرم (ص) را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارائه نماید . آنچه ما از برگزیده ی پروردگار عالم ، سرور پیامبران سراسرتاریخ شناخته و دانسته ایم ، سایه و شبی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است ، اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً " حرکت آن ها را به سمت کمال تضمین کند و قله انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً " آنها را به وحدت اسلامی و تجمع ، حول آن محور تشویق کند بنابراین ، توصیه ما به همه مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاص آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار بعد از دوران قرون وسطی که در دنیای مغرب زمین و مسیحیت ، تهاجم تبلیغاتی وسیعی نسبت به شخصیت رسول اکرم (ص) انجام گرفت و دشمنان سوگند خورده اسلام فهمیدند که یکی از راه های مبارزه با اسلام این است که چهره ی نبی اکرم (ص) را مخدوش کنند و کارهای زیادی هم در این زمینه انجام گرفت ، تا امروز که دشمن به نحو مستمر و با شیوه های مختلف ، روی امحای شخصیت پیامبر از ذهن های آزادگان عالم کار کرده است . بزرگترین تبلیغ برای اسلام ، شاید همین باشد که ما چهره پیامبر اعظم (ص) را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم و بسیار به جاست قبل از آن که دشمنان و مخالفانبا روش ها و شیوه های فرهنگی و هنری پیچیده ی خود ، چهره ی آن بزرگوار را در اذهان مردم بی خبر عالم ، مخدوش کند ، مسلمانان هنرمند و مطلع در عالم ، باید با بیان و تبلیغ و تبیین راجع به آن شخصیت معظم و مکرم ، کار علمی و هنری و تبلیغی بکنند . این ها کارهای لازمی است . س باید روی معرفی شخصیت رسول اکرم (ص) کار کنیم ، نه فقط شخصیت آن بزرگوار به معنای زندگی آن حضرت ، بلکه ابعاد گوناگون وجود آن بزرگوار ، مثل : اخلاقیات ، روش حکومت و مردم داری ، عبادت و سیاست ، جهاد و

تعلیمات خاص را مورد توجه قرار دهیم، نه فقط هم کتاب بنویسیم، بلکه باید کار هنری و تبلیغی را با شیوه های جدید و با استفاده از تکنیک های موجود شروع کنیم و نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه در همه انحاء جهان اسلام، آن را انجام دهیم.

هدف از بعثت پیامبران ایجاد اخلاق حسنه و نیکو بود، حضرت محمد (ص) نیز به عنوان خاتم پیامبران مبعوث شد تا فضایل اخلاقی و خلقیات نیکو را تحقق بخشیده و رذایل اخلاقی را یادآور شود، شک نیست یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اسلام، اخلاق نیکو و برخورد متین و ملایم آن حضرت با مردم بود او همیشه جانب عدل و انصاف را رعایت می کرد و در تجارت به دروغ و تدلیس متوسل نمی شد، هیچگاه در معامله سختگیری نمی کرد، با کسی مجادله و لجاجت نداشت و کار خود را به دیگری واگذار نمی کرد.

پیامبر اسلام (ص) صدق گفتار و ادای امانت را قوام زندگی می دانست و می فرمود: این دو در همه تعالیم پیامبران تأکید و تأیید شده است. در نظر پیامبر اسلام (ص) همه افراد جامعه، موظف به مقاومت در برابر ستمکاران هستند و نباید نقش تماشاگر داشته باشند. پیامبر اکرم (ص) چنان متواضع بود که تمام خودخواهان، مغروران متکبران را به اعجاب و امید داشت. زندگی آن حضرت، رفتار و خصوصیات اخلاقی وی، محبت، قدرت، خلوص، استقامت و بلندی اندیشه و زیبایی روح را الهام می بخشید.

سادگی رفتار، نرمخویی و فروتنی حضرت محمد (ص) از صلابت شخصیت و جذبه معنویت وی نمی کاست. هر دلی در برابرش به خضوع می نشست و هر غروری از شکستن در پای عظمت زیبای او سیراب می شد.

پیامبر اسلام (ص) علاوه بر این که ارزش های اخلاقی را بسیار ارج می نهاد، خود در سیره عملی برجسته فضایل اخلاقی و ارزش های والای انسانی بود، او در همه ابعاد زندگی با چهره ای شاد و کلامی دلاویز با حوادث برخورد می کرد.

تلاش برای تحقق انسانیت

وجود رسول خدا(ص) برای همه مردم مایه رحمت بود و هیچ کس را به سبب رنگ و جنس از شمول آن مستثنی نمی کرد. همه مردم نزد او روزی خور خداوند بودند .

بخشایش و گذشت

بد رفتاری و بی حرمتی به شخص خود را با نظر اغماض می نگریست، کینه کسی را در دل نگاه نمی داشت و در صدد انتقام بر نمی آمد. روح بلند آن حضرت عفو و بخشایش را بر انتقام ترجیح می داد.

حریم قانون

آن حضرت از بد رفتاری و آزاری که به شخص خود می شد عفو و اغماض می نمود ولی در مورد اشخاصی که به حریم قانون تجاوز می کردند گذشت نمی کرد و در اجرای عدالت و مجازات متخلف، هر که بود، مسامحه روانمی داشت یرا قانون عدل، سایه امنیت اجتماعی و حافظ کیان جامعه است و نمی شود آن را بازیچه دست افراد بی کفایت قرار داد.

سعه صدر" از ویژگیهای بارز پیامبر اکرم (ص) است

حجت الاسلام دکتر سید حسن اسلامی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و ادیان مذاهب قم در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: اخلاق حضرت محمد (ص) همان اخلاقیاتی بوده است که پیامبران و انبیاء الهی دیگر نیز داشته اند، اما آنچه که در حضرت محمد (ص) به عنوان خاتم الانبیاء وجود داشت، کاملتر و جامعتر از دیگر انبیاء بوده است .

وی گفت: بزرگترین ویژگی حضرت محمد(ص) سعه صدر است که در آیات قرآن به این خصیصه اشاره شده است. این در حالی است که وقتی پیامبر(ص) برانگیخته شد از خداوند متعال خواست تا به او سعه صدر دهد که این ویژگی به عنوان ویژگی مثبت و بارز و برجسته در آن حضرت نمایان شده است .

وی با تأکید بر اینکه پیامبر اکرم (ص) بسیار ساده و به دور از تکبر، غرور و فخر می زیست، یاد آور شد: او به گونه ای رفتار می کرد که خود را با کمترین افراد یکسان می دانست و به خاطر پیامبر بودن خود را برتر از دیگران نمی شمرد تا جائیکه می گفت در راه رفتن، ایستادن، زندگی کردن، خوابیدن و خوردن مانند دیگر بندگان خدا هستم.

سید حسن اسلامی افزود: آنچه همیشه در پیامبر زبانزد بوده، لطافت و نرمی طبع او است که زمینه ساز جذب پیروان خاص خود را فراهم آورد، زیرا اگر لطافت و نرم خویی در پیامبر اکرم (ص) نبود یاران از اطراف او پراکنده می شدند، به دلیل القاب و صفات خاص ایشان بود که مسلمانان گروه گروه به وی ملحق شده و به او تمسک میجستند.

محمد مصداق انسان کامل

محمد مظهر انسان کامل است که قطب زمان، خلیفه الله، ولی الله، حجه الله می باشد و مصداق آن حقیقت محمدی یا کلمه و نور محمدی است که اولین حقیقت ظاهر، موجود نخستین مبدأ ظهور عالم (۷) و به عبارتی اولین تعینی می باشد که ذات احدیت پیش از هر تعینی با آن تعین یافته است. (۸) هیچ موجودی بالاتر از او نیست، بنابراین تمامی موجودات آسمان و زمین در پیشگاه انسان کامل یعنی رسول اکرم (ص) وظیفه دار و خاضع و خاشع اند. (۹)

چنان که امام العارفين علی امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: «در خدمت پیغمبر از جایی عبور می کردیم، به هیچ درخت و سنگی نمی رسیدیم مگر این که به آن وجود مبارک سلام می کردند.»
از حیث ارتباطش با عالم، مبدأ خلق عالم است که خالق عالم پیش از هر چیزی او را آفرید و از حیث ارتباطش با انسان، صورت کامل انسان است.

مصدق بودن در حقیقت صفت قرآن است که خداوند پیامبرش را نیز با این صفت معرفی کرده، زیرا خلق رسول اکرم (ص) همان قرآن می باشد. از این رو، پیغمبر، قرآن ناطق است و قرآن، پیغمبر صامت. قرآن و

پیامبر هر دو در بارگاه و در حضور خدا بودند که از پیشگاه باری تعالی تنزل یافتند، خداوند یکی را ارسال و دیگری را انزال کرد. « واتبعوا النور الذی انزل معه » (۱۰) هر دو لدی الله و در موطن و مدرسه « انک لتلقی القرآن من لدن حکیم علیم » (۱۱) بودند. قرآن را فرو فرستادیم و پیغمبر را ارسال کردیم.

پیغمبر (ص) هیچ منافقی را نکشت، زیرا نمی خواست این کار سیره و سنت بشود و قدرت های وقت بتوانند، سوء استفاده بکنند و مخالفان خود را به بهانه ی منافق بودن از دم تیغ بگذرانند، بنابراین در اسلام این یک اصلی است که اگر کسی اظهار مسلمانی می کند، مادامی که قولی یا عملی که بر ارتدادش دلالت بکند، از او ظاهر نشد، او را نکشید، ولی اگر علائم نفاق را در او احساس می کنید، از او بر حذر باشید و حداکثر احتیاط را رعایت کنید

آسیب شناسی حاکمان در حکومت دینی

روزی از جبهه بر می گشتیم، شترهای ما در کنار یکدیگر قرار گرفت، تازیانه ای در دست شما بود، نمی دانم از روی عمد به من اصابت کرد

شخصی به نام سواد بن قیس بر میخیزد و میگوید که آیا به اشتباه کرد

پیامبر (ص) فرمود: به خدا پناه می برم که از روی عمد بوده باشد. مرا می بخشی یا قصاص می کنی؟ گفت: قصاص میکنم. فرمودند: همان تازیانه را یکی از خانه بیاورد. بلال به خانه ی حضرت زهرا می رود و

عرض میکند که پدرت می گوید: آن تازیانه را بده! حضرت زهرا می پرسد: چه خبر شده است؟ مگر

جهاد است؟ گفتند: پدرت خود را برای شلاق خوردن عرضه کرده است!

حاکم مطلقه اسلامی و خاتم انبیا خود را برای شلاق خوردن، عرضه کرده است.

زهرا علیها سلام می گوید: چه کسی حاضر شده است پیامبر خدا را شلاق بزند؟ گفت: شواده بن قیس.

حضرت زهرا در حالی که اشک میریخت، تازیانه را می آورد و به او می دهد و می گوید: آیا حسن و

حسین آنجا نبودند که از او بخواهند به جای پیامبر آنها را بزند؟

این ابر قدرت که از موضع قدرت معنوی با همه ی قدرت های مادی عالم سخن می گفت در برابر بندگان خدا، چنین متواضع بود. اینها کرامت انسان و حقوق بشر و آزادی بیان از نوع اسلامی است که یک نفر بلند

شود و در برابر حاکم بگوید که می خواهم قصاص کنم و پیامبر بگوید: درست است حق داری!

شلاق را آورد و اتفاقا حسن و حسین که کودکان هفت و هشت ساله ای بودند، هر دو نزد آن مرد آمدند که آقا اگر می شود این حق قصاص را دربارهی ما اعمال کنید. آیا ممکن است که به جای پیامبر خدا ما را بزنی؟ پیامبر (ص) فرمود: خود من باید قصاص شوم. او گفت که شانه ی من عریان بود و پیامبر نیز شانه ی خود را عریان کردند و آن مرد، کتف پیامبر را بوسید و گفت: من تنها بهانه ای می خواستم تا کتف شما را ببوسم. این است فرهنگ دینی و حکومت دینی.

پیمان همکاری و عدم تعرض با بیگانه

اگر در رابطه با کشورهای بیگانه روابط از نوع سلطه نباشد و بیگانگان در امور داخلی و مصالح مسلمانان توطئه گری و مداخله نداشته باشند و بخواهند با حسن روابط متقابل با مسلمانان زندگی کنند حکومت اسلامی می تواند باتشخیص مصالح خود با آنان پیمان ببندد و مسلمانان و غیر مسلمانان به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی کنند و حتی در امور مشروع که نفع طرفین را تامین می کند با یکدیگر همکاری و تعاون داشته باشند.

تاریخ اسلام و سیره پیامبر (ص) امضای چنین تعهدات و پیمانهایی را در حیات سیاسی آن حضرت ثبت کرده است. اینک به نمونه های از آنها اشاره می شود.

پیمان مشترک مسلمانان و یهود:

وقتی پیامبر اسلام (ص) به مدینه هجرت کردند پیمانی میان مهاجران انصار و یهود منعقد ساختند که می توان آن را ((قانون اساسی دولت مدینه)) نامید. در آن پیمان مهم تاریخی بر لزوم همکاری، تعاون و دفاع مشترک میان مسلمان و یهود تاکید شده است.

نکات ادبی نامه ها پیامبر (ص)

زیبایی کلام عرب بلاغت ان است وان عبارت است از مقتضای حال سخن گفتن که سخن در عین ((ایجاز)) قابل افهام نیز باشد. بهترین سخنان ما کوتاه ترین و گویاترین آنهاست. طبیعی است که هر گوینده بلیغی فصیح نیز خواهد بود. زیرا فصاحت که کمال گوینده است از بلاغت که جمال سخن است. هرگز جدا نیست حضرت محمد امین از تبار قریش فصیحترین شاخه نسل عرب است و با کلمات متناسب و زیبای خود گویاتری و زیباترین سخنان را دارد. برخی از حسن های کلامی و نکات ادبی نامه های پیامبر. ص. رامیتوان این گونه برشمرد.

۱. بیان مطالب به قدر نیاز بی آنکه به جزئیات. وریزه کاریها پردازد.

۲. به کار بردن الفاظ و جملات به تناسب مقام بی آنکه اطناب و تطویل در ان باشد.

۳. مراعات ایجاز و اختصار. استحکام الفاظ و حلاوت شیرینی بیان .

۴. استعمال جملات صریح و عبارات قاطع با روشهای بلیغ برای مخاطبان عرب و جملات ساده و آسان برای غیر عرب.

۵. تصنع تعقید و سجع در آغاز و پایان نامه ها: با بسم الله الرحمن الرحيم شروع شده و با جمله والسلام ختم گردیده است.

۶. در مورد شخص خودش با ضمیر مفرد و در مورد مخاطب خود ضمیر جمع بکار می برد.

نمایندگان سیاسی پیامبر (ص) عبارت بودند از:

عمرو بن امیه الضمری اعزامی به پادشاه حبشه.

دحیه بن خلیفه کلبی اعزامی به سوی قیصر پادشاه روم.

عبدالله بن خذافه سهمی اعزامی به سوی خسرو پرویز پادشاه روم.

حاطب ابن ابی بلتعه اعزامی به مصر اسکندریه نزد مقوقس پادشاه مصر.

شجاع بن وهب اسدی اعزامی به سوی حارث بن ابی شمر غسانی پادشاه دمشق.

سلیط بن عمرو عامری اعزامی به سوی هوده بن علی پادشاه یمامه.

آموزه های مکتب درباره ابتلا و امتحان الهی از دید گاه پیامبر

"خداوند خواسته است شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوترین عمل را انجام می دهد. پس به اعمال نیکو مبادرت کنید."

پیامبر(ص) فرموده: "در هر قضای خدای عزوجل برای مومن خیری است. روزی رسول خدا چنان خندید که

دندان های عقلش نمودار شد. سپس فرمود: آیا از من نمی پرسید که از چه می خندم؟ عرض کرد ند: چرا

ای رسول خدا؟ فرمود: از انسان مسلمان در شگفتم که هر چه خدای عزوجل برای او حکم مقدر کند برای او

خوب است. شگفتا از مومن که هر قضایی خداوند بر او براند برایش خیر است چه خوشایند او باشد یا

نباشد. اگر مبتلایش کند کفاره او باشد و اگر به وی عطا کند و گرامیش دارد به او بخشش کرده است.

خداوند بنده مومنش را به مرض میکند تا همه کناهان او بریزد.

پرهیز از طولانی شدن نماز:

سیره پیامبر. ص. در اقامه نماز جماعت آن بود که در عین آرامش کمال وصحت حال ضعیف ترین مومنین را

رعایت می کرد. انس در این باره می گوید: هیچ گاه پشت سر هیچ امامی نگذاردم که نمازش از

پیامبر کوتاهتر و کاملتر باشد (پیامبر وقتی که در نماز صدای طفلی را می شنید نماز را کوتاه می خواند تا مادر

به سوی بچه اش برود.

یادی از محنت های اهل بیت

ابن با بویه از ابن عباس نقل می کند: وقتی پیامبر(ص) در بستر بیماری افتاده بود بعضی از اصحاب گرد پیغمبر بودند. به بلال فرمودند: مردم را خبر کنید در مسجد جمع بشوند. وقتی مردم جمع شدند پیغمبر به مسجد تشریف آوردند بالای منبر رفتند. فرمودند: ای گروه اصحاب من چگونه پیغمبری برای شما بودم؟ آیا در میان شما به همراهمان به جهاد نیامدم؟ آیا برای هدایت شما ان همه زحمت نکشیدم؟ آیا دندان نیش مرا نشکستید؟ آیا پیشانی مرا خاک الود نکردید؟ آیا از نادانان قوم خود متحمل سختی ها نشدم؟ آیا به خاطر ایثار بر امت از گرسنگی سنگ بر شکم نبستم؟ (جاهای مختلف بارها فرموده بود: مرم من از شما اجر و مزد رسالت نمی خواهم ولی فقطیک تقاضا دارم ان هم این است که از قران و اهل بیت من جدا نشوید تا دوباره گرفتار گمراهی نشوید)

رهیافت هایی از سیره

در سیره رسول اعظم(ص) که مربی امت بود ارشاد مردم به نیت صالح فراوان به چشم می خورد. هنگامی که رسول خدا علی (ع) را به فرماندهی سپاهی روانه جنگی کرد مردی به برادر خود گفت: با ما در سپاه علی به جنگ بیا شاید غلامی یا چهار پایی یا چیزی بدست بیاوریم. (هر کس همراه علی.ع. به جنگ می رفت به پیروزی یقین داشت) رسول خدا فرمود: "جز این نیست که اعمال به نیت هاست و برای هر کس همان چیزی است که نیتش را دارد. پس هر که برای تحصیل آنچه نزد خداست بجنگد بی گمان اجرش با خداست و هر کس برای رسیدن به متاع دنیا بجنگد او را نصیب و پاداشی جز همان چه برایش جنگیده نیست.

ارتقا سطح نیت از دید پیامبر: ایشان فرمودند: سخنی باشما میگویم که ان را به خاطر بسپارید. مردم دنیا چهار گونه اند. کسانی که مال و دانش به آنها داده در مکننت جانب خدارا رعایت می کند و از خویشاوندان دستگیری می کنند و می دانند که خدارا در مال آنها حقی هست. آنها در برترین جایگاه قرار دارند. کسانی که خداوند به آنها دانش داده و مال نداده ولی نیت صادقی دارند و گویند اگر مال داشتیم مانند فلانی رفتار می

کردیم. آنها بابت خیر خویش محشور می شوند و پادش و اجر این دو گروه با هم برابر است. کسانی که خداوند به آنها مال داده ولی دانش نداده و در مال خود بدون دانش تصرف کنند و جانب خدا را رعایت نمی کنند. خویشان را دستگیری نمی کنند و در مال خویش حقی برای خدا قبول نیستند. انهادر خبیث ترین منازل جای دارند. چهارم آن کسانی که خدا به آنها نه مال داده نه دانش و آنها در وهم خود می گویند اگر مال داشتیم مانند آن شخص فاسق رفتار می کردیم. آنها هم پیرو نیت خویش هستند و در و زر و نکبت با گروه قبل مساوی می باشند.

اخلاق و معنویت فلسفه رسالت پیامبر اعظم (ص)

به یقین از محوری ترین اهداف بعثت و رسالت پیامبر اعظم اخلاق و معنویت است. این نکته ای است که آیات و روایات فراوانی به آن اشاره دارد و راز آن نیز روشن است.

زیرا بدون اخلاق و معنویت دینی نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آنها سامان می یابد. سراغ قران می رویم و این حقیقت را از زبان قران می شنویم که اخلاق و معنویت و پرورش و تزکیه نفوس از برنامه های بعثت بوده است.

"پروردگارتان کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که ایاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنها کتاب و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی اشکاری بودند. ایه ۱۶۴. ال عمران.

امام علی (ع) در خطبه قاصعه وقتی از دوران کودکی خود که تحت تربیت پیامبر بودند یاد می کند. از این تعبیر استفاده می فرماید. "پیغمبر اکرم. ص. در هر روز یک پرچم از اخلاق خود را برای من بر می افراشت و مرا فرمان می داد تا از این اخلاق الگو بگیرم."

یعنی هر روز پیامبر یک درس اخلاق رابه علی آموزش می دادند. و اکنون ماچقدر برای قرار گرفتن دراین تعبیر ومیدان های اخلاق شناخت داریم. وچقدربرای قرار گرفتن دراین میدان های اخلاقی ومعنوی کوشش می نمایم.

تغییر نام یثرب

پیامبر اسلام (ص) تصمیم گرفتند که نام یثرب را تغییر دهند. ایشان این تغییر نام را یک ضرورت. روانی. اجتماعی تشخیص دادند.

لذاتام یثرب را که به معنای افساد ومذمت بود به طیبه به معنی پاکی تغییر دادند سپس با نزول ایشان به یثرب آن شهر به مدینه الرسول شهرت یافت. قطعاً انتخاب اسم زیبایی مانند طیبه درالقای روح امید وخوش بینی در دیدگاه یاران وپیروان ایشان تاثیر بسزایی داشته است. تغییر نام. یکی از اقدامات فرهنگی است که در انقلابهای عمیق اجتماعی صورت می گیرد. انتخاب نام زیبا ومعنی دار برای اشخاص موسسه ها وشهرها نشان دهنده ونظام فکری فرهنگی وهرانقلاب است. پیامبر بعدها نامهای جاهلی افراد را نیز تغییر دادند ونامهای زیبایی که دارای مفاهیم توحیدی واسلامی بودند برای آنها انتخاب کردند. ایشان نام روزبه فارسی را به سلمان محمدی نام عمرو بن عوف رابه عبدالرحمن بن عوف تغییردادند.

قرآن وسنت دو منبع آموزش: پس از شکل گیری دولت مدینه واستقرار حضرت محمد پیامبر فرصت یافت. تارسالت جهانی خود را ابلاغ کند. با فرهنگ شرک الود جاهلیت مبارزه نماید. ومردم را به پیروی دین حق وپرستش الله خدای یگانه بخواند. ازاین حیث اوخانهاعزام مبلغ ومعلم انتخاب کرد ونخستین گروه مبشران رحمت را به اطراف جزیرالعرب. گسیل داشت. یکی از ان معلمان وارسته ودست پرورده او معازبن جبل صحابی فراخوند وقران وسنت رابه آنان یاد دهد.

در وصف محمد (ص) - پیامبر و علی (ع)

زندگی پیامبر سراسر یگانگی اندیشه و عمل است. قول او فعل اوست و فعل او حقیقت الهی وجود نبوی اوست و یک قانون عام دارد.

و این قانون عام دین اوست. تاریخ زندگی و سیره مشخص او نشان داده است که با هر امتیازی که بر علی امضا کرده است آسمان نیز تصدیق آورده است، افزون بر آن در بسیاری از مواضع که به خاطر سوء فهم و تنگ نظری حسودان جامعه گه گاه به جهت مصلحت گرایی جامعه شناسانه آنچنان که باید و شاید، از علی نگفته است، وحی آسمانی و فرمان ربای در نهایت قطعیت به انجام و ابلاغ آن فرمان شدید و امر اکیدش داده است.

آسیب شناسی حاکمان در حکومت دینی: دینی که بنیانگذارش پیامبر اکرم (ص) است، در آخرین

بیماری منجر به رحلت، پیام هایی که می دهد، بزرگترین و ناب ترین پیام های انسانی در باب کرامت انسان و حقوق بشر و عدالت و آزادی آدمی است، یعنی همان چیزهایی که امروز می خواهند با آموزه های غربی به ما آموزش دهند! یکی آن پیامی است که ایشان علاوه بر جنبه های معنوی اش و تبرکی که مردم به او میجستند و حتی قطرات آب وضویش را از یکدیگر می ربودند، در آخرین سخنرانی خطاب به مردم می گوید:

"هر کس حقی بر گردن من دارد که ادا نشده است امروز بگوید و حساب مرا تصفیه کند، مرا ببخشد و از من بگذرد، یا قصاص و جبران کند تا حساب ما به آخرت نیافتد."

مردی که قدرت مطلق دارد و حاکم دینی است، با مردم اینگونه سخن می گوید که جمعیت با صدای بلند گریه میکنند...

آسیب شناسی حاکمان در حکومت دینی

دین همیشه، زنده است، ارزشها جاذبه دارند و آن شعارهایی که براساس آن انقلاب شد و امروز انقلاب ایران مرکز توفنده و قلب انقلاب جهانی اسلام است و در سارسر دنیا دارد تغییرات عمده ایجاد میکند، همان ارزشهایی که انقلاب در ایران ایجاد کرد و جنگ را پیش برد. آن ارزشها همچنان زنده است، توفنده است، جاذبه دارد و اگر به درستی ادا شود و اگر آنان که ادا می کنند، عاقل و صادق باشند، اگر رسانه های فرهنگی و تبلیغاتی ما اصلاح شوند، اگر دستگاه قضایی ما، دولت ما و مجلس ما کمتر حرف بزنند و به سنت پیامبر و اهل بیت بیشتر عمل بکنند، خواهید دید که این ارزشها زنده است و جاذبه دارد و هنوز تنها نبضی که در دنیا می تپد، نبض دین و حکومت دینی است. اینها مسائلی است که باید روشن شود که چه کسانی در این جامعه چه میکنند و به حساب دین گذاشته و نوشته می شود.

این دین احتیاج به فهم و عمل دارد، احتیاج به اصلاح ندارد. ما خودمان را باید اصلاح کنیم، نه دین را.

آسیب شناسی حاکمان در حکومت دینی - محمد پیامبری برای همیشه

کسانی که چه باید کرد را از سنت پیامبر اکرم نیاموخته اند و وارد حکومت دینی شده اند و به نام دین در حوزه های مختلف خواسته اند بر مردم اعمال حکمرانی کنند، چنین کسانی اولین مشکل مردم متدین و حکومت دینی اند و اولین تکلیف ما در حوزه ی "چه باید کرد؟"، مواجهه ی شفاف با جریاناتی است که نه عقلا معارف و احکام دین را می شناسند و نه قلبا به دکنترین دینی برای حکومت ایمان دارند و نه عملا به آن التزام دارند. در عین حال ادعا می کنند که مردم از دین و حکومت دینی خسته شده اند. من به شما عرض می کنم بخش عمده ای از این گفته ها تبلیغات و جنگ روانی است و به نوبه ی خود به شما عرض می کنم که هرگاه نسل جدید سخن می گوید، یا اشکال می کند یا ابهامی دارد به این معنا نیست که بریده است یا متزلزل و ضعیف است و ما هرگز نشنیده ایم که از حکومت دینی و از دین، خسته شده باشند.

هرچه ما از این نسل شنیده ایم این است که چرا به دینی که از آن دم می زنید، عمل نمی شود؟

می گویند: چرا در بعضی از حوزه های مدیریتی، حکومت، دینی نیست؟ امروز دشمن شبهات را در دهان

مردم و نسل جوان می گذارد که مردم و نسل جوان می گویند: ما حکومت دینی نمی خواهیم و چرا

حکومت دینی است؟ در حالی که ولعیت عکس این است.

پرسش اصلی نسل جوان این است که چرا حکومت و حاکمان در همه ی حوزه های اختیاراتشان، در

اقتصاد، سیاست، فرهنگ و قضاوت، دینی عمل نمی کنند؟

استقلال سیاسی پیامبر.

حضرت محمد. ص. پس از هجرت به مدینه امت واحدی به وجود آورد امتی در جامعه ای آرمانی که به

رهبری پیشوایی آگاه برای تحقق آرمانهای خود حرکت کرد.

به تعبیر دکتر شریعتی در جامعه ای انسانی که افراد گرد هم آمده اند نه بر اساس رهبری مشترک به سوی

ایده ال خویش حرکت کنند به جای خویشاوندی افراد انسانی و خاک و خون. همکاری و هم سرنوشتی و هم

هدفی و هم قیامی و همگانی برای یک کار عبارت است از اعتقاد و اشتراک در رهبری واحد در جامعه ای که

افرادش متحد و متعهدند که در این راه رو به سوی قبله مشترک داشته باشند.

چنین جامعه ای دارای یک رهبر آگاه مورد اتفاق همه است. در این جامعه حفظ فرهنگ و هوشیاری در

برابرتوطئه و نفوذ بیگانه عامل اصلی استقلال و حاکمیت دولت است. زیرا بیگانه هرگز نمی خواهد کشور

اسلامی موفق و پیروز

رفتار با مسیحیان:

لحن خطاب قرآن و پیامبر اکرم(ص) با مخاطبان مسیحی همراه با عطف و ملایمت بوده است چه با مسیحیان

حبشه که مسلمانان به آنجا هجرت کردند و چه مسیحیان نجران که برای مباحله با مسلمانان رودررو قرار

گرفتند. قرآن همواره مسیحیان را مردمانی با عاطفه و مهربان تلقی کرده است و همواره از آنان به نیکی یاد می

کند. این مطلب به دلیل تعالیم حضرت مسیح(ع) در دعوت یاران خود به محبت و بردباری می باشد که تاثیر فراوانی در بر خورد مسیحیان بر جای گذاشته است. لذا راهبان و پیروان واقعی حضرت مسیح(ع) مردمانی خوش قلب، باعاطفه و با محبت بوده اند و قطعاً تاثیر روانی محبت در شکل گیری شخصیت آدمی و لطافت روحی او عامل مهمی به شمار می رود.

رفتار و برخورد پیامبر با پیروان ادیان :

پیامبر اسلام(ص) همیشه در برخورد با ادیان توحیدی مانند یهودیان و مسیحیان جانب قانون و رفتار نیکو را در پیش می گرفتند.

مگر آنکه یهود پس از امضای قرار داد و پیمان دفاع مشترک نقض عهد کردند. پیامبر(ص) هم پس از دفع چند توطئه خطرناک که از جانب یهود برای نابودی او طرح شده بود آنها را از سرزمین مدینه اخراج کردند و سیاست ((سرزمین واحد برای دین واحد)) را اعمال نمودند.

پیمان صلح حدیبیه...

این پیمان را پیامبر اکرم(ص) در محلی به نام ((حدیبیه)) با مشرکان مکه امضا کردند که به بخشهایی از آن اشاره میشود.

مسلمان و قریش متعهد می شوند که تا مدت چهار سال یا ده سال ترک مخاصمه نمایند و متعرض یکدیگر نشوند.

مرتکب خیانت و سرقت نشوند و اموال یکدیگر را محترم بشمارند.

هر مسلمانی که به قصد حج یا عمره یا سفر به یمن یا طائف وارد مکه می شود در امان باشد و همچنین هر یک از مشرکان که به قصد شام یا مشرق به مدینه وارد شود در امان است.

مسلمان و قریش می توانند با هر قبیله ای که خواستند هم پیمان شوند و پیمانشان محترم خواهد بود.

مسلمان و قریش متعهد می شوند که نسبت به یکدیگر عداوت و دشمنی و خدعه نداشته باشند و کینه یکدیگر را به دل نگیرند. محمد(ص) و یارانش سال دیگر می توانند به قصد مراسم حج وارد مکه شوند مشروط بر اینکه بدون سلاح باشند و بیشتر از سه روز در مکه توقف نمایند.

فرازهایی از پیمان ها: هر فردی از یهود که از ما پیروی کند از کمک و یاری ما برخوردار خواهد بود و در بین مسلمان و او تفاوتی نخواهد بود و کسی حق ندارد به او ستم کند و یا دشمن او را یاری دهد. در حال جنگ یهودیان باید هزینه جنگی خود را بپردازند. هر یک از یهود و مسلمان در عمل کردن به دینشان آزاد است. مسلمان و یهود تعهد می کنند که در خیر خواهی و نیکی تعاون نمایند.